



- امروز هم فرصتی داریم تا با حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی امینی خواه، پژوهشگر مباحث اسلامی - انقلابی و به خصوص درباره جوان‌ها، بیشتر می‌خواهیم با ایشان صحبت کنیم. عرض سلام و ادب دارم خدمت شما، آقای امینی خواه - خیلی خوش آمدید.

- بسم‌الله الرحمن الرحیم. بنده هم عرض سلام دارم خدمت شما و همه مخاطبین عزیزمان.

- ارادتمندیم. خیلی متشکریم.

- سلامت باشید.

- ما چند دقیقه پیش با آقای سرکندی صحبت کردیم. یکی از جوانان موفق و یکی از افرادی که خودشان را باور کرده بودند. از جوانان عزیزی بودند که به این باورپذیری رسیده بودند و خوب بالاخره کسب‌وکاری راه انداخته بودند و کارآفرین بودند و خیلی کارهای جالبی هم انجام داده بودند و از این افراد کم نیستند که هرروز این چنین افرادی را در برنامه می‌آوریم و با آنها صحبت می‌کنیم. جوانان موفق که زحمت کشیده‌اند. بالاخره این افراد ثمره انقلاب هستند و برای انقلاب کاری را انجام می‌دهند و دینی را ادا می‌خواهند بکنند و همه تلاش خود را کرده‌اند. درباره این باورپذیری می‌خواهیم بیشتر با شما صحبت کنیم. جوان امروز ما باید چه کار کند که به این باورپذیری برسد؟ خودش را قبول داشته باشد؟ در خدمتیم.

- سلامت باشید. بنده اگر اجازه بدهید؛ مانند دیروز به نظر بنده کلمات امام (ره) آن قدری در خصوص این مسائل زیبا و شیوا است که اصلاً نوبت به بنده‌ای که بخواهد در این بین عرض خودش را بگوید، نرسد. به نظر بنده کلمات و فرمایشات امام (ره) در مورد این مسائل بسیار گویا است.

من بخشی از صحبت‌های امام (ره) را که برای خود بنده خیلی جذاب است و ممکن است مقداری هم طولانی باشد، عرض می‌کنم؛ چون به نظر بنده در آن، کلمه به کلمه، نکته وجود دارد. اگر اجازه بدهید من مقداری از آن را بخوانم و این سخنرانی امام (ره) برای سال ۶۰ است. می‌فرمایند: «خداوند تبارک و تعالی بر ما منت گذاشت که این جمهوری اسلامی را موفق شدید. شما جوانان این را محقق کنید و موفق شدید از این باور غلطی که در بین کشور ما معروف شده بود این باور غلط را بشکنید».

حالا ببینید امام (ره) در مورد کدام باور غلط صحبت می‌کنند و این باورپذیری در مورد جوانان و آینده انقلاب کدام باور است که رکن است. می‌فرمایند: «شما مگر چه چیزتان از سایر بشر کمتر است. بشر همه جا یک جنس است و یک نوع است و یکی است و اینجا اگر بهتر نباشد، بدتر نیست. لکن نگذاشته‌اند



که این بهترها و این مغزهای متفکر به کار بیافتند. آن مغزهای متفکری که از ایران فرار کرده‌اند، آن‌ها بودند که متفکرشان را برای آن‌ها داشتند و برای خارجی‌ها به کار می‌انداختند و اگر یک فرد متفکری که وطن خودش را می‌خواهد، اسلام را می‌خواهد، کشور خودش را می‌خواهد، این معنا ندارد که فرار کند. کجا فرار کند؟ و لهدا بهتر این بود که این مغزهایی که برای خارجه و برای آمریکا و برای شوروی در ایران کار می‌کردند، این‌ها بروند و مغزهای متفکری که برای خود کشور عمل می‌کنند، آن‌ها باشند. بحمدالله در این دو-سه سال جوانان ما ثابت کرده‌اند که می‌توانند خودشان عمل کنند و شما مطمئن باشید که در درازمدت شما همه کار می‌توانید بکنید و امیدوارم که مغزها را به کار بیندازند و آن خوف‌هایی که در کشور ما ایجاد کرده بودند، آن را هم به کنار بگذارید و با شجاعت وارد شوید و کار خودتان را انجام دهید. همان‌طور که با شجاعت ابرقدرت‌ها را خارج کردید، با شجاعت در فرهنگ خودتان کار بکنید و در کارهای خودتان، خودتان عمل بکنید و اتکا خودتان را هرروز نسبت به خارج کم بکنید و یک‌زمانی برسد که هیچ اتکائی به خارج نداشته باشیم. همه‌چیز خودمان را خودمان تهیه کنیم».

بینید امام این‌طور می‌فرمایند که در آن زمان نه وضعیت تحریم‌ها به این شکل بود و نه وضعیت اقتصادی به این شکل بوده است. افق نگاه امام ره به این است که ما نباید حتماً کارد به استخوانمان برسد که از این وضعیت خودمان را خارج کنیم، این اصلاً توان و بنیه ما است و ما این جور می‌توانیم مملکت را اداره نماییم. بنده فقط یک نکته عرض کنم و سپس پای صحبت شما باشیم. مملکت ما از نظر مساحت، معادل بیست‌ودو کشور مختلف دنیا است؛ یعنی درواقع اگر کشور ما بخواهد در مقایسه با سایر کشورها در مجموع حساب شود، بیست‌ودو کشور به حساب می‌آید که تنها کشور انگلیس به اندازه یزد و کرمان است. آلمان از آن کوچک‌تر است. ژاپن معادل پنج استان ما است. خوب ببینید این کشور با این وسعت داریم. ژاپنی که پنج استان ما می‌شود، چقدر جمعیت دارد؟ ۱۳۰ میلیون؛ ما چه میزان جمعیت داریم؟ ۸۰ میلیون

این‌ها نشان‌دهنده این است که یک عده از افراد نگذاشته‌اند تا خودمان را باور کنیم و امکانات این مملکت را جدی بگیریم و خودمان را حقیر دانسته‌ایم و موجودات درجه‌دو و سه دانستیم. یک شهروند عقب‌افتاده و عرض کنم یک انسان ناکارآمد و موجوداتی که مثلاً ارزشی ندارند. این فرهنگی است که خواسته‌اند در بین ما و به‌ویژه در بین جوانان ما، مدت‌های طولانی جا بیندازند و این باید بشکند و اگر این شکسته شود، اوضاع خیلی عوض می‌شود.

- ان‌شاءالله. جناب حجت‌الاسلام والمسلمین امینی خواه، من یک نکته‌ای را پیرسم و با شما خداحافظی کنم و وقت شمارا بیش از این نگیرم. امروز با یک عده از افراد که پا به سن گذاشته‌اند، صحبت می‌کنیم، حالا یک عده از آن‌ها، انسان‌های موفقی بودند؛ ولی یک عده دیگر گاهی



اوقات به یک احساس سرخوردگی رسیده‌اند و می‌گویند: «یک‌زمانی ما خیلی انگیزه داشتیم و جوان بودیم و شور و حالی داشتیم؛ ولی امروزه دیگر از ما گذشته است و این موارد.» سپس که با جوانان صحبت می‌کنید، می‌گوید: «بله من انرژی دارم؛ ولی به‌عنوان مثال پول ندارم و این جور مسائل.» می‌خواهم بگویم که جوان امروز ما با نداشته‌هایش باید چه کار کند و چگونه داشته‌هایش را پیدا کند؟ چون شما با جوانان سروکار دارید، این سؤال را از شما می‌پرسم.

- ببینید بنده اگر بخواهم مثال واضحی بزنم، باید ماجرای دفاع مقدس را مثال بزنم که هم در مقابل چشمان همگی ما است و هم شعار ما است. ما در جنگ، امکانات را داشتیم و یا خیر؟

- **خیلی کم**

- قطعاً نداشتیم. امکانات ما خیلی محدود بود. این نداشتن امکانات برای ما خیر شد و یا شر؟

- **خیر شد.**

- اکنون وضعیت به‌گونه‌ای است که در صنایع دفاعی و نظامی تحریم‌ها از هر جهت شدیدتر است و از اوایل انقلاب هم با آن مواجه هستیم. نقطه قوت و جدی انقلاب و نظام ما در همین حوزه است. مهم این است که تهرانی مقدم‌ها در این عرصه آمدند و کار کردند و افرادی بودند که انگیزه و همت داشتند. خوب آن همت اگر بود، ما شاید نیازی نبود که سوار بر برخی از خودروها شویم که حتی انسان خجالت می‌کشد نام آن‌ها را بیاورد و بگوید من مالک فلان خودرو هستم. نشان می‌دهد که موشک‌ها را زمانی که به آن افراد سپردیم، به آن روحیه سپردیم، دست ما به این شکل پر بود که اکنون ما دارای موشک نقطه‌زن بالستیک در دنیا هستیم که در تمام دنیا کم‌نظیر است که هم بالستیک باشد و هم نقطه‌زن. درعین حال این خودروهایی است که مردم سوار بر آن‌ها می‌شوند و این شکل وضعیت می‌شود!

- **بله گاهی اوقات کنار یکدیگر نمی‌شود این‌ها را قرار دارد. باید کار را بیشتر به جوان‌ها بسپاریم و کمی هم اعتماد بیشتری به آن‌ها بکنیم.**

- خود جوانان هم باید اعتماد بیشتری به خودشان بکنند. اصلاً در دفاع مقدس هم هیچ فردی نمی‌آمد که خط قرمزی برای آن‌ها مشخص کند.

- **در ذات جوانی گویا آن اعتماد به‌نفس به‌گونه‌ای وجود دارد.**

- اصلاً جوان هم به‌گونه‌ای است که زمانی که احساس می‌کند که اگر بخواهد فردی راه را بر روی او ببندد، اتفاقاً جری‌تر می‌شود و جسورانه‌تر عمل می‌کند.

- **خیلی ممنونم از شما و ان‌شاءالله فرصت گفت‌وگو با شما داشته باشم ممنونم از شما. خدانگهدار.**